

## کنگره مستشرقین در استانبول

علما و دانشمندان عالم هر سه چهار سال یکبار در یکی از شهرها اجتماع می کنند و در معلومات تازه بشری بحث می کنند . چنانکه می دانیم در ماه گذشته بیست و دومین کنگره در استانبول تشکیل شد . اینک جامع ترین گزارشی را که راجع بجزریان این اجتماع به ما رسیده درج می کنیم و در شماره های بعد متن نطق بعضی از سخنوران را **مجله یقما**

از ماه نوامبر سال قبل هیئتی که از جانب دولت ترکیه برای ترتیب و اداره و گذراندن کار کنگره بین المللی مستشرقین تعیین شده بود مشغول کار شده بودند و منشیان و مترجمین قابل و کارکنان زبان دان از میان معلمین و شاگردان مدارس انتخاب کرده بودند و در هتلها و باشگاههای مدارس عالییه و پانسیونهای مدارس متوسطه هر قدر توانسته بودند جا گرفته بودند که مستشرقین همینکه با استانبول بیایند در زحمت نباشند . اما چون قبل از این کنگره یک کنگره دیگر ( یعنی کنگره بین المجالس ) نیز در استانبول منعقد گردید و جماعتی که باین جهت آمده بودند تا موقع کنگره مستشرقین مانده بودند کار جادادن مهمانان کمی سخت شد و همینکه گروه زیادی از مستشرقین بایک کشتی بایک هواپیما میرسیدند سر رشته نظم و ترتیب از دست مأمورین بدر می رفت . با وجود این ایراد فحشی بر طرز اداره و ترتیب کار نمیتوان وارد آورد ، و از پانصد نفر که در کنگره شرکت نمودند شاید بتوان کسی یافت که از اقامت استانبول خود ناراضی باشد . از این عده لااقل سیصد و پنجاه نفر از خارجه آمده بودند ، امریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان و اسپانی و ایتالیا و پاکستان و هندوستان و چین و ژاپن و افغانستان و فلسطین همه رسماً شرکت کرده بودند یعنی علاوه بر مستشرقینی که از ان ممالک بخرج خود آمده بودند جمعی هم سمت نماینده رسمی دولت خود را داشتند ، ولی مصر و ایران و اندونزی و عراق شرکت رسمی نکرده بودند ، از عراق یک نفر آمده بود ، از مصر دوتن ، از تونس یکی و از ایران هفت تن که عموم اینها نماینده خود بودند . ایرانیان عبارت بودند از آقای عباس اقبال ، آقای مهدی بهرامی ، آقای مهدی بیانی ، آقای مجتبی مینوی ، آقای عبدالحسین نوائی ، آقای علی اصغر حکمت ، آقای مجید موقر ( که اصلاً بسمت عضو

مجلس شوری برای کنگرهٔ اولی آمده بود و اسمش را در کنگرهٔ مستشرقین نیز ثبت کرده بود. سه نفر ایرانی دیگر نیز از خارج ایران آمدند و در کنگره حضور می‌یافتند که معلوم نیست کار و سمت ایشان چه بود. یکی مجتهدی نامی از محصلین دولتی (۴) از یازیس، دیگری مرد عجبی با اسم طرخان گنجه‌ای، و سومی مردی عجیبتر بنام خلیل یحیوی. طرخان گنجه‌ای چند سالی در ترکیه تحصیل کرده بوده است و فعلاً در ناپل سکونت دارد و این دوسه هفته که در ترکیه بود یکی از کینه‌های قدیم خود را نسبت به یکی از استادان ترکیه بطوری جلوه‌گر ساخت که موجب تأسف باشد و نزدیک بود



### رئیس، جلسه را افتتاح می‌کند

آقای پروفیسور هائری، جلسه در دست راست از میزبه خانم نشسته است

جنبهٔ مجادلهٔ بین ایران و توران بخود بگیرد، اما رئیس بزرگوار هیئت مدیرهٔ کنگره آقای پروفیسور زکی ولیدی طوغان چاره‌ای اندیشید و بمخبرین جراید چنین توضیح داد که طرخان گنجه‌ای از اهل آذربایجان است و بنابراین این نزاع مابین چند تن ترک بوده است! آیا مستحسن است که بگذارند يك نفر دارندۀ تذکرهٔ تابعیت ایران عمل بچگانهٔ خامکارانه ای کنند که منتهی شود باینکه او را ترك بخوانند تا نزاعی و نقاری

تولید نشود؟ خلیل یحیوی که وابستگی بسفارت ایران در انقره دارد در روزنامه اطلاعات قبل از تشکیل کنگره نادرستی چند بقالب زده بود و اینجا هم از همان قبیل نادرستها بقالب زد، وبمخبر یکی از جراید ترکیه مهملانی در حق نمایندگان ایران گفته بود و خود و مجتهدی را بعلاوه سه نفر از آنها که از ایران آمده بودند بعنوان نماینده رسمی ایران در کنگره معرفی کرده بود، و از آقایان بهرامی و بیانی اصلاً نامی نبرده بود. نتیجه این شده است که هیئت مدیره کنگره میخواهد نامه‌ای بوزارت فرهنگ ایران



- از راست بچپ : ۱ - قاسم کفروی ( ترکیه ) . ۳ - دکتر سهیل انوار ( ترکیه ) .  
 ۵ - مجتبی مینوی ( ایران ) . ۶ - دکتر بیانی ( ایران ) . ۷ - یروفسور زکی ولیدی طوغان  
 رئیس کنگره ( ترکیه ) . ۸ - فاضل بن عاشور ( تونس ) . ۹ - نجاتی لوگال ( ترکیه ) .

نوشته استفسار کند که از این عده کدام یکی یا چند نفر و کدام کسان نماینده دولت ایران باید بحساب آیند . و حال اینکه بر ما همه معلوم است که دولت ایران رسماً در این کنگره شرکت نکرد، و عجب اینکه با همان هوایما که آقای اقبال و بنده بترکیه از برای کنگره سفر می کردیم چهارده نفر ایرانی هم که مستراح را مستراب می گفتند بسوی استانبول می آمدند که تادربازی باسکت بال باترکها مسابقه بدهند و اینها سمت نمایندگی ملت ایران را داشتند و دولت با اینها کمک مادی کرده بود، اما در کنگره

بین‌المللی مستشرقین که محققین و دانشمندان عالم در آن شرکت داشتند دولت ایران خود را لایق شرکت ندیده بود و کسانی را که بمیل و بخرج خود باین مسافرت تن داده بودند مستحق کمک ندیده بود.

موضوع این کنگره اینست که عدّه‌زیادی از علمای عالم هستند که کارشان تحقیق در معارف و علوم و تاریخ و جغرافیا و صنعت و سایر مظاهر تمدن عقلائی ملل مشرق است و مدتیست که باهم قرار گذاشته اند که هر سه چهار سال یکبار در شهری از شهرهای عالم جمع شوند و معلومات تازه را باهم در میان بکنند (یا برخ یکدیگر بکشند!) در کنگره سابق که در پاریس تشکیل یافت مقرر شد که کنگره بیست و دومین در استانبول منعقد شود، و در آخر این کنگره تصمیم برین قرار یافت که کنگره آینده یعنی بیست و سومین (در سال ۱۹۵۴ یا ۱۹۵۵) در انگلستان تشکیل یابد.

مستشرقین در هر شهری که جمع شوند مهمان کیسه خود یا کیسه دولت خود یا کیسه دانشگاهی که بآن تعاق دارند هستند و لیکن شهر و مملکتی که محل اجتماع آنهاست بعضی کمکها بایشان ممکنست بنماید. مثلاً دولت ترکیه برای مسافرت خارجی که با کشتی متعلق بترکیه سفر می‌کنند و برای مسافرت ایشان در داخله ترکیه بنصف قیمتی که از اهل خود مملکت پول میگیرد بلیط میدهد. در حوزه شهر استانبول مسافرت در اوتوبوسهای بلدی و تراموای بلدی و کشتی دولتی در مرمره و بغازها بی کرایه است. چند اوتوبوس بسیار خوب و نو و بزرگ را هم بلدی به یسارگی مختص مستشرقین کرده بود که در ساعتی معین ایشان را بخانه با کنگره یا فلان محل مخصوص برساند، حتی از یولی که از استانبول بعنوان اعانت بنام کنگره مستشرقین اختصاص داده بود بد پنج شش تن از مستشرقین کمای مادی در حدود دویست دلار شد که از آن جمله بیات تن از ایرانیان (مجتبی مینوی) باشد دویست دلار بدهند. محل اجتماع اعضای کنگره و نطقها و کنفرانسها عبارت داشته‌اند حقوق و اقتصاد در میدان بایزید بود.

علاوه بر نطقها و گفتارهای علمی که ایراد شد بعضی قرارها اتخاذ شد که جنبه عمومی دارد، از آن جمله یکی اینکه بعد از این یک اتحادیه انجمنهای خاورشناسی بوجود آید که مرکب باشد از اتحادیه آن انجمنهایی که در هر مملکتی برای تحقیق در امور مربوط بعالم استشراق بوجود آمده است، مثلاً آمریکا و آلمان و فرانسه



قسمتی از حضار در جلسه افتتاحیه

و انگلیس و ایتالیا که در آنجاها این نوع انجمنها وجود دارد عضو این اتحادیه

خواهند بود ولی ترکیه و ایران و مصر و افغانستان و پاکستان و هندوستان و غیرها چون انجمنی ندارند در این اتحادیه شرکت نخواهند داشت مگر آنکه مقرر شود که این ممالک چون شرقی هستند او نیورسیته خود را بعنوان انجمن شرقشناسی معرفی کنند. اتحادیه ای که تشکیل می‌یابد از مؤسسات او نسکو بشمار خواهد آمد و از آن کمکها خواهد یافت و گرفت.

رئیس هیئت اجرائیه و اداره کننده کنگره آقای زکی ولیدی طوغان بازن بزرگوار و کلیه همکارانش روز و شب کار می‌کردند و زحمت می‌کشیدند و یکی از مترجمین ایشان نرمنه خانم نامی بود که مهارت فوق‌تصوری در تکلم بترکی و فرانسه و انگلیسی از او بروز مییافت و فی‌المجلس هر جمله‌ای را که یکی از آن زبانها داشته بود فوراً بآن دوزبان دیگر ترجمه می‌کرد بی آنکه يك نکته در این ترجمه‌ها فوت شود و تلفظ او در هر سه زبان در نهایت خوبی بود.

در عمارت مدرسه حقوق از برای اعضای کنگره يك اداره پست موقتی و يك شعبه بانك موقتی هم باز کرده بودند که از برای گرفتن پول و دادن مکتوب و تلگراف محتاج بجهتجو نباشند، و در این اداره‌ها هم کسانی را بکار گماشته بودند که يك یادو زبان میدانستند.

کسانی که گمان می‌کنند ترکیه‌ها بعلمت آنکه خط خود را عوض کردند و مدتی زبان آفتاب درست کردند و زبان خود را از فارسی و عربی مجزا کرده اند باید بناچار از سابقه خود مقطوع شده باشند و دیگر در خط فضل و علم و تحقیق نباشند و چیزی از اسلام و مشرق ندانند و حتی کتابهای ترکی قدیم را نتوانند بخوانند، خوب بود در این مدت در کنگره حاضر می‌بودند و می‌دیدند چه اندازه جوانان (علاوه بر ایران) بفارسی و عربی، خط قدیم و نسخ کتابهای مهم واقف و علاقه مندند. نجاتی لوگال معلم فارسی در او نیورسیته انقره فارسی را خوب حرف میزند، قاسم کفروی از علماست انگلیسی و عربی بسیار خوب میدانند و وقتی که فارسی حرف می‌زنند آدم گمان می‌برد که از اهل کرمانشاه است. امام‌الاسف داخل سیاست شده و وکیل در مجلس شوری است. رئیس کنگره با اهل پاکستان و هندوستان بفارسی مکالمه و مفاهمه می‌کرد.